



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان :

شب در قرآن

نگارنده :

مختار گنجی

استاد راهنما : جناب آقای دکتر علی مطوری

استاد مشاور : جناب آقای دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

شهریور : ۱۳۸۹

## ۱-۱- مقدمه

سپاس ذات مقدّس خداوندی را سزد که وصف از حقیقت شناسایی او مانده و بزرگواری او خردها را از درک کُنه ذاتش بازداشته ، پس به کُنه اقتدار عظمت بی مانندش راهی نیافتند ؛ اوست پروردگار بر حقّ و آشکار ، برحقّ تر و آشکار تر از آنچه دیدگان ما آن ها را دیده و می بیند ....<sup>۱</sup>

بعد از حمد و ثنای خداوند ، از آن جا که قرآن مجید مژده ی رحمت است و نور هدایت؛ فرو فرستاده از سوی کسی است که نور وجودش همه ی تاریکی ها را روشن نموده و به دست فرستاده ای به ما رسیده که با معنویّت و بیان روشنش زوایای تاریکی جهل جامعه ی بشریّت را فرا گرفته ، دعوت حق را برای همگان تا روز قیامت عیان نموده و بعد از ابلاغ رسالت خود نیز ادامه ی این راه را بر عهده ی جانشینان بر حقّش ، یعنی امامان معصوم (علیهم السلام) قرار داده است . اما اکنون که امام زمان ما در پس پرده ی غیبت به سر می برند و چشمان ظاهر ما از دیدن روی زیبا و سراسر معنویّت ایشان بی بهره اند ، تکلیف ما در برابر خداوند چیست ؟ آیا برای احیای دین ، می بایست دست روی دست گذاشت و منتظر ظهور نشست ؟ یا هر کس به فراخور حال خود باید که در مقابل دین انجام وظیفه نماید ؟ جواب قطعی و مسلّم همان انجام وظیفه ، در هر شرایطی است . از این رو هر چند عالمان دینی با جدیّت تمام به تفقّه در امر دین و قرآن کریم می پردازند اما این امر ، انجام وظیفه را از گردن دیگران ساقط نمی گرداند و هر کس در هر شغل و مقامی می بایست بنا بر توانایی خود از دین حق دفاع نماید ، به خصوص در این برهه ی زمانی که پیشرفت چشم گیر علوم تجربی و جلوه ی ظاهر فریب این علم در محسوسات، باعث جذب افراد زیادی از انسان ها به سوی این علم و تولیداتش شده است . به طوری که از حقیقتی والاتر ، یعنی دین خدا و انجام وظیفه شان در برابر پروردگار خود که هدف از آفرینش

۱- بهشتی محمّد ، نهج البلاغه ، خطبه ی ۱۵۵ .

انسان است ، غافل مانده اند . در این میان ما اُمَّت پیامبر آخرالزمان (ص) در برابر قرآن کریم و دین خدا وظیفه ای بس بزرگ تر و سنگین تر داریم .

بنا بر این مقدمه و وظیفه ای که در این دوره از تحصیل داریم ، بر آن شدم تا در قالب تحصیل هم که شده این امر را توفیقی الهی دانسته و با اشتیاق هر چه تمام تر به انجام این مهم پردازم . در این میان دوست داشتم از دریای بی کران علوم قرآنی بنا بر اهمیّت فوق العاده ی زمان در مکتب اسلام ، موضوع شب را در کلام خداوند یعنی قرآن مجید بررسی نمایم . شاید بتوانم اهمیّت این موضوع را در گفتار الهی به صورتی منفکّ از کتاب خداوند و تفاسیر در اختیار پویندگان راه حقّ قرار دهم و در نتیجه به لطف خداوند تأثیر سزاواری بر استفاده ی معنوی بیشتر از شب که نیمی از عمر ما انسان ها را تشکیل می دهد داشته باشم . از خداوند متعال می خواهم که مرا در انجام هر چه بهتر این امر یاری فرماید . « اِنْ شَاءَ اللَّهُ »

## ۲-۱- هدف از انجام این تحقیق

در این تحقیق که به روش کتاب خانه ای انجام گرفته ، سعی بر آن داریم که بعد از روشن نمودن معنای لغوی کلمه ی « لَیْل » در چند فرهنگ لغت ، تعریفی از شب ، اصطلاحی که در مقابل روز به کار می رود را ارائه نمایم . و این که فلسفه ی وجودی شب را از نظر قرآن کریم بیابیم و به بررسی آثار وجودی این نعمت بزرگ خداوند از نظر جسمانی و روحانی برای انسان پردازیم و روشن نمایم آیا انسان بدون وجود این نعمت الهی قادر بر ادامه ی حیات می باشد یا خیر ؟ یا با استفاده ی کم تر از آن دچار چه مشکلاتی می گردد . همچنین اشاره ای به نعمتی گران بها در شب که همان خواب و آرامش شبانه می باشد بنماییم . علاوه بر آن انواع شب هایی که در قرآن کریم مطرح شده اند را به تصویر بکشیم تا آن شب ها و چگونگی سپری کردنشان توسط اولیاء خدا را در زندگی خود الگو قرار دهیم . در ضمن می خواهیم خود شب را از نظر

زمانی مورد بررسی قرار دهیم تا به اهمیت قسمت های مختلف آن پی ببریم و استفاده ی معنوی بیشتری از آن ببریم . «ان شاء الله»

### ۳-۱- ضرورت انجام این تحقیق

با توجه به اهمیت زیادی که وقت و زمان در دین اسلام دارد و با توجه به تأکیدات فراوانی که در قرآن کریم بر استفاده ی هر چه صحیح تر آدمی از زندگی دنیوی برای نیل به درجات معنوی بالاتر در آخرت شده است و از آن جا که زندگی فرصتی است بس گران بها که برای هر کس یک بار تجربه می شود و غالباً تکرار نمی پذیرد ، باید برای استفاده ی هر چه بهتر از آن برنامه ریزی نمود و در این کار هرگز نمی توان از مسأله ی شب به سادگی گذشت . زیرا آن نیمی از بهترین اوقات ما را تشکیل می دهد . با کسر دوران کودکی و نوجوانی که غالباً در سرگرمی ها و بازی های کودکانه به سر می رود و به عنوان مقدمه ای برای شروع جدی زندگی است و دوران پیری که دوران سستی و احتیاج است و دیگر خبری از آن نشاط و روحیه ی جوانی برای انجام کارهای بزرگ و مؤثر در زندگی نیست ، می بینیم فرصتی اندک برای توشه برداشتن برای راهی بس دشوار که در لا به لای همین زندگی دنیوی انتخاب می شود باقی می ماند که نیمی از آن فرصت اندک را روزشامل می شود که ما را سخت سرگرم امور روزمره ی زندگی و پرداختن به امور دیگران می نماید . در این میان تنها اندک زمانی برای خلوت با خویشتن باقی می ماند و آن همان شب هایی است که به سرعت برق و باد می گذرد ، چه ما قدر آن ها را بدانیم و استفاده کنیم و چه آن ها را به بطالت بگذرانیم .

این تحقیق بر آن است تا با سیر در آیات قرآنی و سیره ی اولیای خدا و کتب تفاسیر ره آوردی زیبا گرد آورد ، باشد که با مطالعه و تفکر در این آیات گامی مؤثر در کسب رضای الهی برداریم . «ان شاء الله»

## ۴-۱- پیشینه ی تحقیق درباره ی شب در متون گذشته و حال

شب همراه همیشگی انسان ها ، از اولین بوده و تا آخرین نیز خواهد بود ، زیرا خداوند سستی دارد و طبق فرموده ی خودش تغییر و تبدیلی در سنت او نخواهد بود . بشر در گذشته های دور نمی توانسته افکار خود را ماندگار کند و به نسل های بعدی منتقل نماید ، اما با پیشرفت نسبی در این زمینه توانست با سنگ نوشته ها مفاهیمی را به نسل های بعد منتقل نماید . موضوع شب نیز از این قاعده مستثنی نیست . وقتی به متون قدیم به خصوص متون مذهبی توجه می نمایم می بینیم که این موضوع مورد توجه انسان ها بوده و به آن اهمیت خاصی داده اند و در باره ی آن به انحاء مختلف نوشته اند . چون تحقیق ما از بُعد مذهبی است ، باید از همین منظر سوابق موضوع تحقیق پی گیری نمایم . با مطالعه و رجوع به تفاسیر قرآن ، کتاب هایی که در زمینه سنت پیامبر (ص) و دیگر پیامبران خداوند و امامان معصوم (علیهم السلام) نوشته شده ، کتاب های تاریخ اسلام و سایر مذاهب ، کتب احادیث ، کتب فقهی و ... می بینیم که شب جلوه گاه ویژه ای دارد . در عصر کنونی که عصر رسانه های گروهی است وقتی به شبکه های اینترنتی مراجعه می کنیم شواهدی را می بینیم که بشر امروزی نیز از مناظر مختلف علمی ، مذهبی و .... به بررسی مسأله ی شب پرداخته است و در این زمینه به نوشتن مقالات و کتاب ها اقدام نموده که می توان به عنوان مثال به عناوینی مانند : اسرار شب ، انسان و اسرار شب ، آرامش شب ، پرداختن به انواع شب در فرهنگ ها و مذاهب مختلف دنیا اشاره نمود ، مثلاً در فرهنگ های اسلامی به شب قدر ، شب معراج ، شب و علی (ع) ، نماز شب ، اختلاف شب و روز ، اسرار آسمان شب و .... اشاره نموده اند .

در متون عربی امت مسلمان عرب زبان تحقیقات زیادی پیرامون مسائل مذهبی و ارتباط آن ها با شب های مقدس دیده می شود که این مطالب تقریباً با مطالب ارائه شده به زبان فارسی یکی هستند . با مراجعه به سایت های انگلیسی زبان ، می بینیم که روی عناوینی مانند کار در شب ، مضرات کار در شب ، سرطان و کار در شب ، ایست قلبی و کار در شب ، تأثیر کار در

شب بر زندگی، بی خوابی در شب، بی خوابی و افسردگی، بی خوابی و خودکشی و... تحقیق شده است.

کَیْل متضاد نهار و اصل آن لَيْلَة است ابن الاعرابی چنین سروده «فِي كُلِّ يَوْمٍ مَاوَكَلٌ لَيْلَة» و مدت آن از غروب خورشید تا طلوع صبح صادق و یا تا طلوع خورشید است مصعّرش لَيْلَة می باشد و فراء می گوید لَيْلَة در اصل لَيْلِيَة بوده و به همین خاطر «لَيْلَة» مصعّر آن است مانند «الْكَيْكَة لِلْبَيْضَة»، که اصل آن «الْكَيْكِيَة» بوده و جمعش «الْكَيْكِي» است. جمع کَیْل را لَيْال گرفته اند که غیر قیاسی است زیرا توهّم نموده اند که مفردش لَيْلَة باشد.

لَيْلَة لَيْال طولانی بودن و شدت سختی را می رساند یا شدت تاریکی را و زن نیز که کَیْل نامیده شده بدان جهت است.<sup>۱</sup>

«لَيْل و لَيْلَة» هر دو به یک معنی است. به قولی کَیْل مفرد است به معنی جمع و لَيْلَة برای واحد است ولی در قرآن هر دو برای مطلق (به معنی اسم جنس) آمده اند. مانند «تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ» (آل عمران / ۲۷)

«وَأُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ» (بقره / ۱۸۷) جمع آن در قرآن کَیالی است.  
«سَيُرَوِّفِيهَا لَيْالِيًا وَأَيَّامًا آمَنِينَ» (سبا / ۱۸)<sup>۲</sup>

لَیْل: لَیْل و لَیْلَة گفته می شود و جمع آن لَیال و لَیال و لَیالات می باشد و گفته شده لَیْلُ أَلَّیْل و لَیْلَة لَیال و گفته اند اصل لَیْلَة کلمه ی لَیالَة است به دلیل تصغیرش بر لَیْلَة و جمع آن لَیال<sup>۳</sup>

۱- زبیدی، تاج العروس، ناشر: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ هـ. ق، جلد پانزدهم، زیر لغت لَیْل.  
۲- قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۵۲ هـ. ش، جلد پنجم، زیر لغت «لَیْل»  
۳- راغب اصفهانی، مفردات، تحقیق: محمد سید کبیلانی، انتشارات دارالمعرفة، بیروت، لبنان، بی تا.

لَيْلٌ که مفرد آن هم همان معنی جمع را می دهد و مفردش لَيْلَةٌ مانند ثَمْرَةٌ و ثَمَرٌ و به لِيَالٍ جمع بسته شده با افزودن « ی » به آن مانند اهل ، اهل گفته می شود . اصل آن لَيْلَةٌ بوده و الف و ة حذف گردیده . زیرا مَصْعَرَشٌ لَيْلَةٌ می باشد . وَلَيْلٌ أَيْلٌ : شدت تاریکی را می رساند .<sup>۱</sup>

## ۵-۱- تعریف شب

به مدت فاصله از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق گویند . قرار داشتن قسمتی از کره ی زمین در تاریکی سایه ی قسمت دیگر زمین ، هنگامی که آفتاب زیر افق پنهان باشد . - شب : مقابل روز . - شب : مدت زمانی است که شعاع آفتاب به جانبی از زمین که پشت به آفتاب دارد نرسد و به سبب واقع شدن در سایه ی خود ، تیرگی بر آن قسمت از زمین پرده افکند . - نیمی از ۲۴ ساعت که زمین حرکت وضعی کند . این نیم در حدود خط استوا برابر است و متعادل و هر چه از خط استوا دورتر شویم ، این تعادل کم تر خواهد بود ؛ تا آن جا که در دو قطب شمال و جنوب تفاوت به شش ماه شب و شش ماه روز می رسد مگر در دو اعتدال بهاری و پاییزی . شب بر مدت زمانی اطلاق می گردد که از تاریک شدن هوا تا روشن شدن است و عموماً قریب نیم ساعت بعد از غروب است تا نیم ساعت بعد از صبح صادق . - در علم هیأت ، مدت بودن آفتاب در تحت الأرض که از غروب تا طلوع است را شب گویند .<sup>۲</sup>

۱- جوهری ، الصّحاح ، تحقیق : احمد عبدالغفور العطار ، چاپ چهارم ، ناشر : دارالعلم للملایین ، بیروت ، لبنان ، جلد پنجم ، ص ۱۸۱ .

۲- سعیدیان عبدالحسین ، دایرة المعارف بزرگ نو ، چاپ سوّم ، ناشران : علم و زندگی - آرام ، تهران ، زمستان ۱۳۸۸ ، جلد ششم ، ص ۴۸۳ .

## ۶-۱- پیدایش شب و روز

### ۱-۶-۱- منظومه ی شمسی

علم ستاره شناسی ثابت کرده است که خورشید دارای مجموعه ای از ستاره ها و ماه ها و ستاره های دنباله دار است که همیشه آن را دنبال می کنند و مقهور نیروی جاذبه ی آن هستند و این باعث شده است که آن ها در مداری بیضی شکل همیشه به دور آن بچرخند و همه ی اعضای این مجموعه با حرکت خورشید مجموعاً از جایی به جای دیگر منتقل می شوند. خلاصه این که منظومه ی شمسی با سرعتی محدود در فضا در جهتی مشخص در حرکت است. سرعت این گردش در حدود ۷۰۰ کیلومتر در ساعت می باشد و یک گردش کامل آن به دور مرکز خود حدود ۲۰۰ میلیون سال نوری به طول می انجامد. جالب این جاست که دانشمندان ستاره شناس تا اوایل قرن بیستم، این حرکت و سمت و سوی آن را نمی شناختند. اما باید گفت مطلب این آیه در زمان پیامبری رسول خدا (ص) بیان شده در حالی که او و قومش چیزی از این رازها نمی دانستند.

واژه های شَمْس، اَرْض، نُجُوم، کَوَاکِب و شُهُب، الفاظی هستند که به طور متعدّد در قرآن کریم آمده اند. شَمْس ۳۳ بار، اَرْض ۶۶۱ بار و قَمَر ۲۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است و این ها هر کدام یک عضو از منظومه ی شمسی می باشند و خود منظومه ی شمسی یکی از هزاران مجموعه ای است که هستی از آن تشکیل شده، ما بعضی از حقایق آن را می دانیم زیرا در آن زندگی می کنیم.

منظومه ی شمسی دارای ستاره ای بزرگ به نام خورشید می باشد که مرکز آن را اشغال نموده و سیاراتی اطراف آن، در خطّی واحد از غرب به شرق در حال گردش اند؛ این سیارات عبارتند از: عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون، پلوتون و سیاراتی جدید (زینا، سریس، چارون) و حجم هر کدام از این ها متفاوت است.



ماه به دور زمین در چرخش است و این حرکت خود را در هر یک ماه قمری، یک بار انجام می دهد؛ در همان حال زمین هم به دور خورشید در گردش است؛ سرعت گردش ماه به دور زمین به ۳۳۰۰ مایل در ساعت می رسد؛ زمین ۸۰ بار بزرگ تر از ماه است و ماه تقریباً ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر از زمین فاصله می گیرد.

همچنین ماه به سرعت در محور خود در چرخش است، اما با این حال روز آن از روز ما طولانی تر است. و طول شب و روز ماه در هر گردش کامل تقریباً به دو هفته می رسد، یعنی هر ماه قمری نصفش شب و نصفش روز است.<sup>۱</sup>

به نظر نگارنده از نظریه علمی فوق می توان چنین نتیجه گرفت، همان طور که گردش ماه به دور خورشید باعث به وجود آمدن شب و روز می شود، گردش زمین به دور خورشید باعث می شود که گاهی رو به خورشید و گاهی پشت به خورشید قرار گیرد و باعث به وجود آمدن شب و روز در کره ی زمین شود. و این مطلب اگرچه اکنون بسیار ساده به نظر می آید، اما در گذشته مردم زمین را مسطح و مرکز عالم می دانستند و می پنداشتند که گردش خورشید به دور زمین باعث به وجود آمدن شب و روز می گردد. اما این آیه از قرآن کریم اشاره به حرکت خورشید در مسیر مشخص خود دارد. در ادامه خداوند می فرماید: «و ماه را منزل هایی قرار دادیم.» (یس / ۳۹) این آیه اشاره به حرکت ماه در مسیر مشخص خود دارد و بیانگر وجود نظم در جهان هستی می باشد و گوشه ای از این نظم باعث به وجود آمدن شب و روز می گردد که آن حاصل حرکت منظم زمین و خورشید است.

برخی دیگر شب و روز را چنین وصف نموده اند: شب و روز نامی است برای ساعاتی مشخص از حرکت خورشید و ماه که در آسمان قرار گرفته اند و یا روز تنها نامی است برای دیدار خورشید ما بین طلوع سپیده تا غروب خورشید، و این شب و روز مختص این دنیاست و آخرت را خداوند با روز قیامت شروع می نماید و در آن جا خورشید و ماهی نیست و عصری نیست

۱- محمد اسماعیل ابراهیم، القرآن و اعجازه العلمی، ناشر: دارالفکرالعربی، بی تا، ص ۷۱ تا ۷۵.

زیرا خداوند تعالی می فرماید : « وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ » ( حج / ۵۵ )

« و کسانی که کفر ورزیدند ، پیوسته نسبت به این قرآن در شک و ریب اند تا به ناگاه

ساعت (مرگ) آن ها فرا رسد ، یا عذاب روز نازا ( روز قیامت که هیچ چیز قابل جبران نیست )

به سراغشان آید . »

روز قیامت به این خاطر «يَوْمٌ عَقِيمٌ» نامیده شده که شبی به دنبال آن نیست و وجود شب

و روز در این دنیا تنها به خاطر مصالح بندگان است و شکی نیست که آن دو نیز فانی و از بین

رونده اند . زیرا یکی از علامت های قیامت به خاموشی گراییدن خورشید است.<sup>۱</sup>

## ۲-۶-۱- آیا شب اول به وجود آمده یا روز ؟

پیش از این در مورد نحوه ی پیدایش شب و روز و این که ساعات شب و روز حاصل تغییر مکان

خورشید و ماه ( و زمین ) در آسمان است ، بحث نمودیم . اما در این جا سؤال این است که آیا

شروع زمان با شب بوده یا با روز ، که در آن علما اختلاف نظر دارند . برخی معتقدند که شب

پیش از روز به وجود آمده و چنین استدلال می کنند که نور خورشید هنگامی که خورشید به

وجود نیامده بود وجود نداشته ، پس شب و تاریکی وجود داشته و این نور بوده که بر تاریکی

وارد گردیده و اگر نوری به وجود نمی آمد شب همچنان ثابت و پابرجا بود . برخی دیگر چنین

می گویند که روز پیش از شب وجود داشته و استدلال می کنند که خداوند بلند مرتبه وجود

داشته در حالی که هیچ چیز همراه او نبوده . نه شبی و نه روزی و نورش همه چیز را روشنی

می بخشیده ، ابن مسعود نیز چنین می گوید : در نزد پروردگارتان شب و روزی وجود ندارد و نور

آسمان ها از نور وجود خداوند است .

۱- طبری ابن جریر ، تاریخ طبری ، تحقیق و تصحیح و ضبط : نُخْبَةُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْإِجْلَاءِ ، ناشر : مُؤَسَّسَةُ الْأَعْلَمَى لِلْمَطْبوعات ،

بیروت ، لبنان ، ۱۴۰۳ هـ . ق ، جلد اول ، ص ۱۶ تا ۱۸ .

ابوجعفر می گوید: با استناد به این آیه از قرآن مجید، نظر اول صحیح است: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحِيهَا» «آیا آفریدن شما (پس از مرگ) دشوارتر است یا آسمان، که آن را بنا نمود. سقف آن را برافراشت و (خلقتش را) نظام بخشید و شبش را تاریک نمود و روزش را آشکار ساخت» (نازعات / ۲۷ تا ۲۹)

در این آیه می بینیم که با شب آغاز نموده و نه با روز.<sup>۱</sup>

عبرانیان در قدیم الایام ساعات روز را از غروب آفتاب تا غروب آفتاب دیگر به حساب می آوردند و بدین لحاظ، شب قبل از روز اتفاق می افتاد و احتمال قوی می رود که این ترتیب از وضع کتاب پیدایش (سفر تکوین تورات) باشد که در آن مسطور است «و شام بود و صبح بود و روز اول» (سفر پیدایش ۵ و ۸ و ۱۳) عبرانیان ساعات روز را دوازده و ساعات شب را نیز دوازده قرار می دادند لکن این ترتیب جز در خط استوا به طور تساوی نبود.<sup>۲</sup>

۱- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ناشر: دار الصادر للطباعة والنشر، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ هـ. ق، جلد اول، ص ۲۱.

۲- بلاغی سید عبدالحجّه، تعالیق حُجّة التّفاسیر و بلاغ الإکسیر، چاپ خانه ی قم، ۱۳۴۶ هـ. ش.

# فصل دوم :

شب و روز

## ۱-۲- دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع)

« قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا » (نوح / ۵)

« گفت : پروردگارا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم . »

حضرت نوح (ع) پیغمبری بود که بعد از ادريس نبی (ع) آمد ، او در سن پنجاه سالگی به پیامبری رسید . گفته اند که او درودگر بوده . او بر فرزندان قایل فرستاده شد . این قوم در دشت زندگی می کردند که بعدها با عمو زادگان خود که در کوه می زیستند در آمیخته و همگی ساکن دشت شدند . بر اثر این اختلاط و انبوهی جمعیت ، فساد و فحشاء در میان آن ها رایج گردید . در این حال بود که خداوند حضرت نوح (ع) را به پیامبری برایشان فرستاد . او شبانه روز در کوچه و بازار و در هر کوی و برزن با قوم خود صحبت می نمود . آن ها را از خدا می ترسانید و به عقاب خدا تهدید و توعید می کرد . اما هیچ فایده نکرد و هر چند بر می آمد ، ایشان طاغی تر و یاغی تر گردیدند . همان طور که خداوند می فرماید : « چندان که بیش دعوت کرد ، ایشان رمیدند » حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال به دعوت قوم پرداخت اما جز اذیت و آزار و تمسخر چیزی از آن ها نشنید تنها سام و حام و یافث و زنان ایشان و شش فرد دیگر در این مدت دراز به او ایمان آوردند . کلبی گوید : ایمان آوردگان هشتاد تن بودند ، چهل مرد و چهل زن . برخی نیز گفته اند : هفت نفر . قوم حضرت نوح (ع) که از ضرب و شتم و آزار و اذیت و تمسخر و راندن او نتیجه ای نگرفته بودند و همچنان او را استوار بر راه خود می یافتند و می دیدند که دست از دعوتش بر نمی دارد او را تهدید به قتل نمودند . حضرت نوح (ع) گفت : ای قوم من بر ادای این رسالت و دعوت شما به ایمان ، از شما مالی طمع ندارم و اجرت و مزدی نمی خواهم . مزد من و ثواب من جز بر خدای نیست .

پس از گفت و گوی فراوان میان حضرت نوح (ع) و قومش ، بالأخره قوم جواب آخر خود را دادند و گفتند : ای نوح ، با ما جنگ و جدال آغاز کردی و جدل با ما را از حد و اندازه بردی ، به تو ایمان نمی آوریم ، آنچه از عذاب وعده می دهی ، بر ما بیاور اگر راست می گویی .

حضرت نوح (ع) گفت: آن عذاب به دست خداست نه به دست من. در این وقت بود که ندایی از سوی خداوند آمد که: «طمع بردار از ایمان اینان، در بؤس و رنج و سختی نباش بر آنچه ایشان می کنند». پس نوح (ع) نا امید شد و بر آنان نفرین کرد. آنگاه حق تعالی فرمود: «تو ساز کشتی کن و در باب این کافران با ما هیچ سخن مگو که ایشان را غرق خواهم کرد» عبدالله بن عباس گفت: نوح (ع) کشتی را به دو سال ساخت، از چوب ساج و بر سه طبقه برای انواع حیوانات و پرندگان و نوح (ع) و یاران او بر طبقه ی بالایی بودند. قوم در حال ساختن کشتی بر او عبور کرده و او را به تمسخر می گرفتند، زیرا کشتی ساختن او بر زمین خشک و آمدن عذاب و .... را باور نمی کردند و او را دیوانه خطاب می نمودند. سرانجام وقت عذاب فرا رسید حضرت نوح (ع) با یاران خود و پرندگان و درندگان در کشتی سوار شد. آن گاه باران عذاب شروع به باریدن نمود و زمین چشمه های خود را به اذن خدا جوشان نمود تا به مدت چهل روز که آب همه جا را فرا گرفته و هیچ پناه گاهی نمانده بود. در این بین کنعان فرزند نوح (ع) نیز در میان گمراهان در حال غرق شدن بود. حضرت نوح (ع) از سر مهر پدری او را صدا زد که بیا و با ما سوار بر کشتی شو و با کافران مباش. گفت: من برکوهی گریزم تا مرا از آب ننگه دارد نوح (ع) گفت: امروز راه فراری از عذاب خدا نیست. در همین مناظره بود که آب میان آن دو حایل شد و کنعان را غرق نمود. آن گاه که آب همه ی کافران را غرق نمود، به دستور خداوند، آسمان باریدن را قطع نمود و زمین آب ها را در خود فرو برد. در خبر است که کشتی نوح (ع) در اواخر ذی الحجّه بر کوه جودی بنشست.<sup>۱</sup>

به نظر می آید دعوت شبانه روزی حضرت نوح (ع) به این معنا است که ایشان دعوت خود را در همه ی حالات ادامه می داد و هیچ وقت نسبت به رسالتی که پروردگار بر عهده ی او گذاشته بود بی تفاوت یا کم کار نبود. ایشان در ساعات روز و شب و در حضر و سفر در اوقات کار و بیکاری در خستگی و استراحت در اوّل و وسط و آخر رسالتش که به گفته ی قرآن کریم

۱- حقوقی عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، چاپ اوّل، ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، تابستان ۱۳۸۴

۹۵۰ سال به طول انجامید ، هیچ وقت در ارائه ی رسالت خود احساس خستگی نمود .  
و این کار خود را آن قدر ادامه داد که دیگر تاب و توان جسمی اش رو به تحلیل رفت و توانی در  
خود برای ادامه ی کار ندید و کفّار نیز او را تهدید به قتل نمودند در این وقت بود که دست به  
نفرین قوم خود برداشت و با دلی پر از اندوه فرمود : پروردگارا من این قوم را شبانه روز دعوت  
نمودم یعنی رسالت خود را در حدّ توانم به انجام رساندم ، و به تکلیفم عمل نمودم ؛ اما می بینی  
که این قوم هرگز متذکّر نمی شوند و جز گروهی اندک به راه حق نیامده اند . پس عذاب خود را  
بر اینان فرود آور . و بعد از این بود که خداوند عذاب خود را به صورت بارانی شدید بر آن قوم  
فرستاد . اما لجاجت این قوم را ببین که حتّی تا وقت فرود آمدن عذاب نیز تسلیم حقّ نشدند تا  
این که هلاک گردیدند .

## ۲-۲- شب ها و روزهای عذاب

### ۱-۲-۲- آیات مربوطه

« إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا  
يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ  
قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ  
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » (یونس / ۲۴)

« مثل دنیا مانند آبی است که از آسمان نازلش می کنیم گیاه زمین با آن مشروب و مخلوط  
می شود . گیاهی که یا از خوردنی های مردم است ، و یا از چریدنی حیوانات ؛ همین که زمین  
منتها درجه خرمی خود را دریافت ، و آراسته گردید ، مردم آن سرزمین ، از ما و کار ما بی خبر  
شده ؛ می پندارند این خودشان هستند که این بهره ها را از زمین گرفته و به چنگ آورده اند ولی

ناگهان عذاب ما شبانه و یا در روز می رسد و آن محصول را از بین برده گویی اصلاً وجود نداشته، ما آیات را برای مردمی که نظر کنند این چنین تفصیل می دهیم.»

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ»  
(یونس / ۵۰)

« بگو به من خبر دهید که اگر شب که در خوابید یا روز که به کسب و کارید عذاب خدا رسد (چه راه فراری دارید) چرا گناه کاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟»

«وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا لُجَيْنًا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَرِهِمْ جَنِّمِينَ» (هود / ۹۴)

« هنگامی که امر (عذاب) ما بیامد، شعیب و کسانی راکه به او ایمان آورده بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم و کسانی راکه ستمکار بودند صیحه ی عذاب فرا گرفت و صبح کردند در حالی که در خانه های خود مردگانی شدند به رو در افتاده»

«فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَنِّمِينَ» (عنکبوت / ۳۷)  
« لیکن او را تکذیب کردند پس زلزله ایشان را بگرفت و صبح همه در خانه ی خود به روی زمین در افتاده و هلاک گشتند.»

«فَأَسْرِبَ أَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبَعْتَ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتُ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَأَمْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ» (حجر / ۶۵)

« پس خاندانت را شبانه بیرون ببر، و خودت دنبالشان به راه بیفت، و مواظب باش احدی از شما پشت سر خود ننگرد، و راهی که مأمور شده اید بگیرد و بروید»

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا ءَالَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ» (قمر / ۳۴)

« و ما بادی سنگ بار برآنان فرستادیم، و به جز خاندان لوط که در سحرگاهان نجات دادیم همه را هلاک نمودیم.»



«قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرَبْنَا بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ عَلَيْهِ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ<sup>ج</sup> إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ<sup>ج</sup> أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود / ۸۱)

«گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار تو هستیم، آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نخواهند کرد پس پاسی از شب گذشته، خانواده ات را (از این سرزمین) بیرون بر و (مراقب باش) تا هیچ کس از شما روی بر نگرداند. ولی همسرت را (با خود مبر) زیرا آن بلایی که به همه می‌رسد به او (نیز) خواهد رسید همانا وقت (نابودی) آنان صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟!»

«سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ مُخْلِ خَاوِيَةٍ» (حاقه / ۷)

«خداوند آن (باد سهمگین) را هفت شب و هشت روز بر آنان مسلط کرد تو (اگر آن جا بودی) آن مردم را می‌دیدى که مانند کنده‌های درخت خرما سرنگون شده اند.»

## ۲-۲-۲- تفسیر آیات

### ۱-۲-۲-۲- آیات ۲۴ و ۵۰ سوره یونس

برخی در تفسیر این دو آیه چنین آورده اند:

قهر خدا گاه چنان شدید است که هیچ اثری را باقی نمی‌گذارد.<sup>۱</sup> (یونس / ۲۴)

قهر الهی ناگهانی است و شب و روز در آن مطرح نیست.<sup>۲</sup> (یونس / ۵۰)

۱- قرآنی محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، پاییز ۱۳۸۳ هـ. ش،

جلد پنجم، ص ۲۰۱.

۲- همان، ص ۲۲۴.

## ۲-۲-۲- شرح مختصری از زندگی حضرت شعیب (ع)

« وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا لَنَجِّنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَرِهِمْ جَنِّمِينَ » (هود / ۹۴)

« هنگامی که امر (عذاب) ما بیامد، شعیب و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم و کسانی را که ستمکار بودند صیحه‌ی عذاب فرا گرفت و صبح کردند در حالی که در خانه‌های خود مردگانی شدند به رو در افتاده »

در شرح این آیه اشاره‌ی مختصری به زندگی حضرت شعیب (ع) می‌نماییم. سیره نویسان نسب او را به حضرت ابراهیم (ع) و برخی به حضرت لوط (ع) می‌رسانند، یکی از پیامبران خدا بود که بعد از حضرت یوسف (ع) و پیش از حضرت موسی بن عمران (ع) برانگیخته شد. او از عرب عاربه از قبیله‌ی « عنزة » بود. او به شوق خداوند بسیار می‌گریست. آنچنان که چشمانش را از دست داد. شهر او مدین است که در کنار خلیج عقبه در نزدیکی محل سکونت حضرت لوط (ع) در نواحی بقاء از توابع شام واقع بود. قوم او کارهای ناپسند از جمله کم‌فروشی را می‌کردند. آنان دعوت حضرت شعیب (ع) را نپذیرفتند و در نتیجه دچار عذاب شدند و ایشان (ع) مأمور هدایت قوم « ایکه » گردیدند، که در تبوک فعلی ساکن بودند. مردم « ایکه » نیز دعوت وی را نپذیرفتند و پیامبر خدا را تهدید به مرگ کردند خداوند نیز هوایی بسیار گرم به مدت هفت یا نه روز بر آن‌ها چیره گردانید تا از پای درآمدند. آن‌ها اولین قومی بودند که ترازو و پیمان‌ه به کار بردند.<sup>۱</sup>

۱- شبستری عبدالحسین، اعلام القرآن، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ هـ. ش، ص ۴۸۹ - ۴۸۸.

### ۳-۲-۲-۲-آیه ۳۷ سوره ی عنکبوت

«فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ» (عنکبوت / ۳۷)  
 « لیکن او را تکذیب کردند پس زلزله ایشان را بگرفت و صبح همه در خانه ی خود به روی زمین در افتاده و هلاک گشتند.»

برخی در تفسیر این آیه چنین آورده اند که : قوم شعیب را بامدادان عذاب فرا رسید در حالی که در رختخواب بودند و اجل بیش از نیم خیز شدن مهلتشان نداد.<sup>۱</sup>  
 برخی دیگر ذیل این آیه آورده اند : واژه ی جاثم از ماده ی « جَثْمٌ » و به معنی نشستن روی زانو و توقف در یک مکان است ، بعید نیست این تعبیر اشاره به آن باشد که آن ها ( قوم شعیب ) در موقع وقوع این زلزله ی شدید در خواب بودند ، ناگهان به پا خاستند ، همین که بر سر زانو نشستند ، حادثه به آن ها مهلت نداد و با فرو ریختن دیوارها و صاعقه ای که با آن زلزله ی مرگبار همراه بود ، جان خود را از دست دادند.<sup>۲</sup>

### ۴-۲-۲-۲- حضرت لوط (ع) :

حضرت لوط (ع) که نسبتش به حضرت نوح (ع) می رسد یکی از پیامبران معروف خداوند است . او فرزند برادر ابراهیم (ع) و گفته شده فرزند خاله ی او بود و ساره همسر ابراهیم (ع) خواهر او بود . او به جوانمردی و بخشش معروف بود ، دارای اموال و احشام فراوانی بود . به ابراهیم (ع) ایمان آورد و همراه او از بابل یا کلدان به بلاد شام آمد . لشکر روم او را اسیر نمودند . اما با تلاش ابراهیم (ع) از دست لشکریان آزاد شد . سپس از ابراهیم (ع) جدا شد و در

۱- قرائتی محسن ، تفسیر نور ، ج ۹ ، ص ۱۴۳ .

۲- مکارم شیرازی ناصر ، تفسیر جوان ، چاپ دوم ، انتشارات بیان جوان ، تهران ، پاییز ۱۳۸۲ هـ . ش ، جلد چهارم ،

سدوم در اردن نزدیک بحر المیت فرود آمد . در آن جا هفت یا پنج یا چهار شهر بزرگ بود . عادت زشت قوم او ترک زنان و روی آوردن به مردان بود . حضرت لوط (ع) آن ها را به ترک عمل ناپسندشان امر کرد اما آن ها نپذیرفتند و ادامه دادند . بنابراین حضرت لوط (ع) از خداوند برای آن قوم درخواست عذاب نمود . روزی سه یا چهار فرشته (جبرئیل ، میکائیل ، اسرافیل و یا این سه همراه با کروئیل ) او را دیدار نمودند . وقتی قوم لوط (ع) مطلع شدند قصد سوء بر مهمانان کردند . حضرت لوط (ع) از رفتار قوم خود نسبت به مهمانانش سخت شرمنده شده بود در این حالت ، مهمانان خود را معرفی نموده ، مأموریت خود را که عذاب قوم حضرت لوط (ع) بود ، به ایشان ابلاغ نمودند . خداوند چشم افراد خطا کار را کور کرد و بر آن قوم بارانی از سنگ بارید و هم زمان با زلزله ای سخت خانه های آن قوم را ویران نمود .<sup>۱</sup>

#### ۵-۲-۲-۲- آیه ۶۵ سوره ی حجر

در این آیه ، «قَطْعٌ» به معنی قسمت عمده ی شب است . یعنی قسمت عمده ی شب که گذشت ، زمان نزول عذاب می باشد و حضرت لوط (ع) باید خانواده و اهل خود را از مهلکه نجات می داد نکته ی دیگر این که یاری خداوند به مؤمنان شب و روز ندارد .<sup>۲</sup>

برخی دیگر در شرح این آیه ، چنین آورده اند که : کلمه ی « اسرا » به معنی سیر در شب است و بنابراین ، جمله ی « در پاره ای از شب » تأکید اسراء خواهد بود و خود جمله ی ( بِقَطْعٍ مِنْ اللَّيْلِ » به معنای قسمتی است که از شب بریده شده باشد و مراد از این که فرمود : « وَأَتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ » این است که به دنبال اهل خود راه بیفتد و نگذارد کسی جا بماند ، و وادارشان کند که به سرعت پیش بروند و همان طور که فرمود : « وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ » به پشت سر خود نگاه نکنند . معنای آن چنین است ، حال که ما با عذابی غیر مردود آمده ایم بر تو واجب است شبانه اهل و

۱- شبستری عبدالحسین ، اعلام القرآن ، ص ۸۵۰ - ۸۴۹ .

۲- قرائتی محسن ، تفسیر نور ، جلد ششم ، ص ۳۴۴ .